

آسیب‌شناسی اجتماعی شهر و نقش سرمایه‌های اجتماعی و کالبدی شهروندان در کاهش آن (دیدگاهی جغرافیایی)

برات‌علی خاکپور

عیسی پیری

چکیده

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که در قرن نوزدهم از علوم زیستی اخذ شده و به معنی علمی است که برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود. شناخت علمی آسیب‌های اجتماعی و علل و دلایل گسترش آن‌ها، پیشگیری از وقوع مجدد آسیب و ارائه راهکار، از اهداف این شاخه علمی می‌باشد. فقدان حس مکان (تعلق مکانی) و حس اجتماع در شهرنشینان مهاجر به شهرهای بزرگ، مشکلات روانی و اجتماعی بسیاری را در آن‌ها به وجود می‌آورد که طراحی مناسب فضاهای کالبدی جمعی، نظیر میدان‌های کوچک محله‌ای، پارک‌های مناسب محله‌ای، جلوگیری از ورود بی‌اندازه ماشین به محلات، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی و ریشه‌های اعتماد متقابل و به کارگیری این سرمایه‌ها به همراه سرمایه‌های کالبدی، در کاهش آسیب‌های اجتماعی، مؤثر عمل می‌کند. تأکید عمده مقاله به نقش محیط فیزیکی و فضای شهری و دخالت دادن متغیرهای فضایی در افزایش سرمایه اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی است.

کلیدواژه‌ها: آسیب‌شناسی اجتماعی، شهرنشینی، حاشیه‌نشینی، سرمایه‌های کالبدی، سرمایه‌های اجتماعی.

مقدمه

شهرنشینی پدیده عام بعد از جنگ دوم جهانی است، اما ماهیت آن در میان کشورها متفاوت است (Yuki, 2006: 1) و از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند. داده‌های سازمان ملل متحد نشان می‌دهد که بیش از ۳۴٪ از جمعیت جهان سوم در سال ۱۹۹۱ در شهرها می‌زیستند، در حالی که این میزان در اروپا ۷۳٪ بود (Smith, 2000: 196) و با توجه به اعلامیه جمعیت جهان در سال ۲۰۰۱ و گزارش صندوق جمعیت

سازمان ملل متحد، تقریباً ۲/۸ میلیارد نفر از جمعیت جهان در حال حاضر در شهرها زندگی می‌کنند و تا سال ۲۰۱۵ میلادی این عدد به ۳/۹ میلیارد نفر افزایش خواهد یافت (Kotter, 2004: 1-2). قرن بیست و یکم به وسیله این زندگی شهری به گونه‌ای معین می‌شود که ماقبلاً وضعیت این چینی را تجربه نکرده‌ایم. بیش از نیمی از جمعیت جهان در حال حاضر ساکن شهرها هستند و طبق برآوردهای بانک جهانی، تا سال ۲۰۲۵، ۸۸ درصد از مجموع رشد جمعیت در نواحی شهری وسیع اتفاق خواهد افتاد و ۹۰ درصد از رشد شهری در کشورهای در حال توسعه جذب خواهد شد.

با در نظر گرفتن این مطالب، باید اذعان داشت که شهرها تنوع بیش‌تری را شامل می‌شوند (Thorns, 2002: 2) و تنوع بیشتر قومیت‌ها و فرهنگ‌ها در کنار یکدیگر، گستردگی آسیب‌های اجتماعی را در شهر دامن زده و انواع مختلفی از آسیب‌های اجتماعی را در زمان‌ها و مکان‌های مختلف باعث می‌شود، به گونه‌ای که بشر در هیچ عصر و دوره‌ای به این میزان دچار انحراف و سقوط اخلاقی نشده و جامعه بشری در هیچ قرن و دوره‌ای، به میزان امروز دچار مصیبت‌های ناشی از جرایم، انحرافات و جنایات نبوده است. برای این که تصویری از این ادعا پیش رو داشته باشیم، کافی است به آماری از ایالات متحده آمریکا در این رابطه توجه کنیم. میزان جرایم در سال ۱۹۶۷ حدود ۸/۳ میلیون فقره، در سال ۱۹۶۸ حدود ۵/۴ میلیون فقره و سال ۱۹۸۰ بیش از ۱۰ میلیون فقره بوده است و این نسبت در اکثر نقاط جهان به همین مقیاس صادق است (قائمی، ۱۳۶۶: ۳).

گسترش فقر و تکامل ماشینیسیم، سستی و تزلزل ارکان اخلاقی، پوچ‌گرایی‌ها، افزایش نیروی کار غیرماهر روستایی در شهرها و جذب آن‌ها در اقتصاد غیررسمی شهر، اولین نمودهای آسیب‌های اجتماعی را در شهرها روشن کرده و ناامنی را که ناشی از تراکم بیش از حد انسان‌ها در کنار یکدیگر است، پیش چشم می‌آورد، به طوری که ناامنی افراد به عنوان یک مسئله حاد بین‌المللی در مجمع سازمان ملل متحد در سال ۱۹۸۰ مورد بحث قرار گرفت (گومز بواندایا، ۱۳۸۰: ۵).

تعاریف آسیب‌شناسی و آسیب‌شناسی اجتماعی

آسیب‌شناسی عبارت است از مطالعه و شناخت ریشه بی‌نظمی‌ها در ارگانیسم انسانی. در مشابهت کالبد انسانی با کالبد جامعه، اصطلاح آسیب‌شناسی اجتماعی برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود.

آسیب‌شناسی اجتماعی مفهوم جدیدی است که در قرن نوزدهم از علوم زیستی اخذ شده و به معنی علمی است که برای مطالعه و ریشه‌یابی بی‌نظمی‌های اجتماعی به کار می‌رود. این رشته علمی در قرن بیستم تکامل پیدا کرد و جامعه‌همانند یک کالبد زیستی تلقی شد و موضوعات اجتماعی مانند موضوعات علوم زیستی مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت و برخی از اصطلاحات زیست‌شناسی و علوم پزشکی نیز در علوم اجتماعی به کار گرفته شدند، که از آن جمله واژه پاتولوژی یا آسیب‌شناسی است که در علوم اجتماعی پیشوند «سوسیو» به آن اضافه شد، یعنی بررسی بیماری‌های اجتماعی.

علاوه بر تعریف فوق، در زیر چند نمونه از تعاریف آسیب‌شناسی اجتماعی مطرح می‌شود:

۱. خاستگاه پاتولوژی در علوم زیستی و پزشکی و ریشه‌یابی بیماری‌های تنی است، در حالی که خاستگاه آسیب‌شناسی اجتماعی در علوم اجتماعی، مطالعه بی‌نظمی‌ها و نابسامانی‌های اجتماعی می‌باشد. بنابراین قلمرو این رشته علمی، بررسی پدیده‌ها و اعمال و رفتارهایی است که در اجتماع غیرطبیعی تلقی می‌شوند (مساواتی آذر، ۱۳۶۴: ۳۹).

۲. در یک نظام اجتماعی هنگامی که رفتار به گونه چشم‌گیری با «هنجار همگانی» اختلاف پیدا می‌کند و مورد کیفر قرار می‌گیرد، آسیب اجتماعی نامیده می‌شود (Hoult, 1972:74). دردها و نابسامانی‌های اجتماعی که موضوع مورد مطالعه آسیب‌شناسی اجتماعی قرار می‌گیرد، عبارت است از خصومت گروه‌ها و طبقات، آثار و عوارض اختلالات روانی در کشمکش‌های اجتماعی، بزهکاری کودکان، نوجوانان و جوانان و نیز علل و عوامل پیدایش و تشدید آن و شیوه‌ها و داده‌های پیشگیری و درمان آنها (قائمی، ۱۳۶۶: ۲۳). بنابراین علم آسیب‌شناسی اجتماعی دردها و مسائل و مشکلات اجتماعی را همانند امراض بدن انسان قابل شناسایی و درمان می‌داند. ولی نکته قابل ذکر این است که در تفاوت بیماری‌های اجتماعی و جسمی، ریشه و علت بیماری بدن انسان در همه جای جهان وجود دارد و برای همه افراد تقریباً یکسان است و در نتیجه راه درمان و پیشگیری می‌تواند واحد باشد، در حالی که انگیزه‌ها و علل بیماری‌های اجتماعی در جوامع مختلف متفاوت است و طبعاً

شیوه‌های درمان نیز متفاوت خواهد بود. به طوری که امیل دورکیم (۱۸۵۱-۱۹۱۷) جامعه‌شناس مشهور فرانسوی عنوان می‌دارد، پدیده‌های اجتماعی مشابه در دو اجتماع متفاوت، به صرف مشابهت نمی‌توانند با هم مقایسه شوند و تابعی از یک نظام اجتماعی هستند (توسلی، ۱۳۷۹: ۱۴۱) و شناخت، تبیین و چاره‌جویی برای آسیب باید در متن اجتماعی-اقتصادی و جغرافیایی مخصوص آن بررسی شود.

ویژگی‌های آسیب

۱. در بسیاری از موارد، فقط مجرم نیست که می‌تواند بیمار باشد، بلکه بیمار کل جامعه است و جامعه در توزیع منابع به صورت صحیح عمل نکرده است.
۲. نسبی بودن، به این معنی که آسیب‌های اجتماعی از جامعه‌ای به جامعه دیگر، و از زمانی به زمان دیگر فرق می‌کند (ملکی، ۱۳۸۲: ۲۳) و یک عمل می‌تواند در جامعه‌ای جرم یا آسیب تلقی شود، ولی در جامعه دیگر خیر (کرایب، ۱۳۸۲: ۷۱).
۳. عادی بودن، به این معنی که وجود آسیب در جامعه عادی است. یا به قول امیل دورکیم جرم یا آسیب به‌هنگار و طبیعی است (همو: ۷۲) و هنگامی مسئله‌ساز است که از حالت نرمال خارج شود.
۴. جمعی و محیطی بودن، چنان‌که به گفته سادرلند، انحراف جمعی و آموختنی است و نه یک چیز ارثی.
۵. جزئی بودن، یعنی این که رفتار مجرم فقط در پاره‌ای از موارد از فرم‌های معمول تجاوز می‌کند و در بسیاری از موارد دیگر تابع ضوابط می‌باشد (ملکی، ۱۳۸۲: ۲۲).

شهرنشینی و آسیب‌های اجتماعی

جهان به سرعت در حال شهری‌شدن است و الگوی زیست شهری در حال تبدیل شدن به الگوی بی‌رقیب و بلامنازع زیست در کل جهان است (جدول ۱).

در نتیجه، فرایند سریع شهرنشینی ناشی از تجربه طولانی مدرنیته و شکل‌گیری پارادایم غالب اقتصاد صنعتی و گرایش روزافزون جمعیت روستایی به مهاجرت به شهرهای بزرگ، هم‌تغییری و همبستگی شدیدی با میزان بروز آسیب در فضاهای شهری و مکان‌های عمومی با فرایند مذکور، مخصوصاً در دوران گذار به‌وجود آمده است. سرنوشت اجتماع محلی در جوامع شهری یکی از موضوعات اساسی جامعه‌شناسی مدرن از زمان

شکل‌گیری مکتب شیکاگو است که رهیافت مذکور به مطالعات مهمی درباره اکولوژی انسانی، طراحی شهری و احیاء شهری منجر شد (Delanty, 2003: 51).

جدول ۱- جمعیت شهری، ۱۹۵۰-۲۰۳۰

میانگین جمعیت سالانه (میلیون نفر)				
منطقه	۱۹۵۰	۱۹۷۵	۲۰۰۰	۲۰۳۰
کل جهان	۷۵۱	۱۵۴۳	۲۸۶۲	۴۹۸۱
کشورهای با درآمد زیاد	۳۵۹	۵۶۲	۶۹۷	۸۲۵
کشورهای با درآمد کم و متوسط	۳۹۲	۹۸۱	۲۱۶۵	۴۱۵۶
آسیا	۲۴۴	۵۹۲	۱۳۷۶	۲۶۷۹
آفریقا	۳۲	۱۰۲	۲۹۵	۷۸۷
اروپا	۲۸۷	۴۵۵	۵۳۴	۵۴۰
آمریکای لاتین و حوزه کارائیب	۷۰	۱۹۸	۳۹۱	۶۰۸
آمریکای شمالی	۱۱۰	۱۸۰	۲۴۳	۳۳۵
اقیانوسیه	۸	۱۵	۲۳۱	۳۲

Source: National Research Council, 2003

در حال حاضر مدیریت غیر علمی و غیر سیستمی و نگاه بخشی به مسائل و تحقق نیافتن پارادایم مدیریت واحد شهری، ضعف حکومت‌های محلی در جهت رویارویی با مشکلات محلی و تمرکزگرایی شدید، طراحی‌های نامناسب غیربومی و از بین رفتن قلب محلات سنتی به عنوان «فضای امن اجتماعی و مکان تشکیل سرمایه‌های اجتماعی» و به جای آن به وجود آمدن «منصر خیابان جداکننده» به عنوان عنصر قابل رؤیت در فضا و جداشدن محلات شهری از همدیگر و پی آمد آن، زوال سرمایه‌های اجتماعی، در یک زنجیره ناگسستی باعث به وجود آمدن آسیب‌های اجتماعی در فضاهای شهری شده است.

نگاه به آمارها و داده‌های مربوط به جرایم و مقیاس شهر، حاکی از تأیید تجربی ادعای مورد نظر ما است. به عنوان مثال در مورد جامعه ایران، چه شاخص‌های ارزیابی شده سرمایه اجتماعی مانند سطح اعتماد اجتماعی و مشارکت سیاسی، و چه شاخص‌های ناهنجاری و جرایم اجتماعی در طی دهه ۱۳۷۰ افول آشکاری را نسبت به انباشت سرمایه اجتماعی نشان می‌دهد (جدول ۲ و ۳).

جدول ۲- شاخص‌های ضد سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر

شرح	۱۳۷۰	۱۳۷۵	۱۳۸۱
پرونده‌های مختومه در دادگاه‌های عمومی	۱۱۱۰۰۰۰	۳۱۲۰۰۰۰	۵۵۸۷۰۰۰
تعداد قتل عمد	۲۷۰۰	۳۴۰۰	۵۹۰۰
جرم منافی عفت	۳۰۰۰۰	۵۱۰۰۰	۸۶۰۰۰
اختلاس و ارتشا و جعل	۵۴۰۰۰	۱۰۲۰۰۰	۲۷۴۰۰۰
سرقت	۹۹۰۰۰	۱۳۸۰۰۰	۳۰۸۰۰۰
جرایم اطفال	۳۶۰۰	۶۹۰۰	۱۸۰۰۰
طلاق	۲۲۰۰۰	۶۹۰۰۰	۱۴۶۰۰۰
خودکشی	۱۴۰۰	۲۸۰۰	۳۴۰۰
مواد مخدر کشف شده (کیلوگرم)	۳۹۰۰۰۰	۱۶۳۰۰۰	۱۰۴۰۰۰
تعداد کودکان بی سرپرست در بهزیستی	۲۹۰۰	۳۴۰۰	۵۶۰۰
تعداد مددجویان کمیته امداد	۹۹۴۰۰۰	۱۷۴۰۰۰۰	۲۶۲۸۰۰۰

مأخذ: خاندوزی، ۱۳۸۳: ۷۳، مجله راهبرد.

جدول ۳- تمایلات و تعداد جمعیت شهری در ایران، ۲۰۰۱-۱۹۷۶

سال	جمعیت کل	رشد سالانه جمعیت	جمعیت شهری	شاخص شهرنشینی	میانگین رشد سالانه جمعیت	تعداد شهرها	میزان افزایش در تعداد روستایی
۱۹۷۶	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۸۰۰		۴۶/۷	۲/۴	۲۷۳	۱۰/۱
۱۹۸۶	۴۹۴۴۵۰۱۰	۳/۹	۲۶۸۲۴۵۶۱	۵۴/۳	۵/۴	۴۹۶	۱۲۳
۱۹۹۱	۵۵۸۳۷۱۶۳	۲/۵	۳۱۸۳۴۵۹۸	۵۷	۳/۵	۵۱۲	۱۶
۱۹۹۶	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱/۶	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۱	۲/۹	۶۱۲	۱۰۰
۲۰۰۱	۶۴۵۴۰۵۵۴	۱/۹	۴۲۱۷۳۵۸۷	۶۶	۲/۸	۸۸۸	۲۷۶

Source: Fanni, 2006:408

- نویسندگان یونان و روم قدیم، در نوشته‌های خود از غیر اخلاقی بودن و فساد شهرها سخن گفته‌اند و صداقت روستاییان را ستایش کرده‌اند (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۹۵). وانگهی گسترش شهرها فهرست پایان‌ناپذیری از مسایل شهری و آلودگی، تاسر و صدا و تراکم وسایل نقلیه را پدید آورد (Ritzer, 2002:9).
- مهم‌ترین ویژگی‌های شهرنشینی که از نقطه‌نظر آسیب‌شناسی قابل ملاحظه است، عبارتند از:
۱. به پیدایش جامعه توده‌وار یا گسترده منتهی شده است.
 ۲. به اختلافات طبقاتی مردم و تفاوت‌های اجتماعی افزوده است.
 ۳. برخورد و تضاد میان هنجارها و نقش‌های اجتماعی افراد به وجود آورده است.
 ۴. به از هم پاشیدگی روابط شخصی افراد کمک کرده است (فرجاد، ۱۳۷۴: ۱۸۹).
 ۵. به دلیل افزایش بیش از حد جمعیت در شهرهای بزرگ، هیجان، آشفتگی، نگرانی، ترس و تشویش و اضطراب در بین شهرنشینان رو به فزونی است.
 ۶. رشد بی‌رویه جمعیت در شهرها، بسیاری از شهروندان را با دشواری‌هایی چون ضعف، بی‌حالی، عدم تعادل جسمی و روانی مواجه می‌کند.
 ۷. آمارهای مربوط به جرایم و بزهکاری در شهرها به خصوص شهرهای بزرگ، نشانگر فزونی این پدیده در دهه‌های اخیر است که به نوبه خود از گسترش شهرنشینی ریشه گرفته است.
 ۸. انحرافات جنسی، انواع مختلف اعتیاد و مصرف مشروبات الکلی در شهرها بیشتر از روستاهاست. (محسنی، ۱۳۷۵: ۲۱۲).

سکونتگاه‌های غیررسمی و آسیب‌های اجتماعی

سکونتگاه غیررسمی یا حاشیه‌نشینی، اصطلاحی است که به محله‌های مسکونی غیرمتعارف اطلاق می‌شود. این پدیده با نام‌های محلی مختلف شناخته می‌شود، از جمله، فیولاس در برزیل، گنجه‌گوندو در ترکیه، و ییدنویلتز در بخش‌هایی از آفریقای شمالی. در زبان انگلیسی نیز ردیفی از اصطلاحات عمدتاً نارسا که برای پوشش دادن ماهیت چنین سرپناهی طرح شده، انتشار یافته است. نمونه‌هایی از این اصطلاحات عبارتند از موقتی، کنترل‌نشده و خود به خودی (دراکاکیس، ۱۳۷۷: ۲۱). تعریف سکونتگاه غیررسمی از کشوری به کشور دیگر متفاوت است و به تنوع و تفاوت پارامترها و عناصر بستگی دارد (Srivinas, 2004:1).

دکتر اسمیت در اکایس می گوید: اصطلاح سکونتگاه‌های عدوانی یا مسکن عدوانی یعنی؛ نقض کردن، یا تخطی از تمام قوانین ناظر بر سکونت در یک زمین یا قوانین ساخت و ساز مسکن (Carter, 1989:397-398). عموماً این اصطلاح یک ناحیه مسکونی در یک شهر (مخصوصاً کلان‌شهر) را تداعی می‌کند که فقرای بسیاری به صورت محلی در آنجا سکونت گزیده‌اند که توان دستیابی به زمین اجاره‌ای یا زمین در مالکیت خودشان را ندارند و از این رو به صورت عدوانی، به شکل خصوصی و یا عمومی، بر زمین خالی ساکن می‌شوند (Srivinas, 2004:1). امروزه بیش از ۴۲٪ از جمعیت شهری جهان در حال توسعه در سکونتگاه‌های غیررسمی زندگی می‌کنند (Zebardast, 2006:1). حاشیه‌نشینی با آسیب یا جرم رابطه مستقیم دارد که نمونه روشن آن را در حادثه شهر پاکدشت تهران در سال ۱۳۸۴ مشاهده کردیم.

تنوع، تجمل و اختلاف فاحش و چشمگیر طبقات اجتماعی ساکن شهرهای بزرگ، گرانی و سنگینی هزینه‌های جاری زندگی موجب می‌شود تا مهاجران غیرمتخصصی که درآمد آنان کفاف مخارجشان را نمی‌دهد، جهت بر آوردن نیازهای خود دست به هر کاری، ولو غیرقانونی بزنند. در چنین مناطقی به لحاظ از بین رفتن ارزش‌های انسانی، ناهنجاری‌های اجتماعی سریعاً رشد می‌کند و اعمالی چون دزدی، اعتیاد، قاچاق، فحشا و نظایر آن در آنجا بیش از بافت اصلی شهری دیده می‌شود (حسین زاده دلیر، ۱۳۷۰: ۶۵). با این حال تداوم زندگی در این نوع سکونتگاه‌ها، باعث شکل‌گیری نوعی هویت جمعی حاشیه‌ای و حس تعلق مکانی و اجتماعی، تعلق خاطر و اعتماد متقابل در بین ساکنان واحدهای همسایگی خود انگیزه حاشیه‌های شهری می‌شود که سیاست‌های نوسازی و پاکسازی باعث انتقال کلتی فقر و محرومیت شهری به نقطه دیگر خواهد شد (رهنما، ۱۳۷۴: ۲۰).

دارایی‌های محلی^۱ و کاهش آسیب‌های اجتماعی

در حالی که برنامه‌ریزان و سیاستمداران اهمیت دارایی‌های محلی، شامل سرمایه‌های فیزیکی^۱ (مسکن، جاده‌ها و فضای عمومی) و سرمایه اجتماعی^۲ (شبه‌های غیررسمی اعتماد و رابطه متقابل) را در بالا بردن سلامت اجتماعات شناخته‌اند، ارتباط بین این دارایی‌ها و سیاست‌گذاری مبهم است (Arefi, 2004:2).

1. local assets
2. physical capital
3. social capital

سیاست‌های دارایی - مبنای^۴ برای توسعه اجتماع محلی^۵ در برابر رویکرد نیاز - مبنای^۶ قرار دارد. در رویکرد دارایی مبنای مجموع دارایی‌های اجتماعی محلی، اساس توسعه را تشکیل می‌دهد، در حالی که در رویکرد نیاز - مبنای نیازهای اجتماع محلی اساس توسعه قرار می‌گیرد. رویکرد دارایی - مبنای سه ویژگی دارد: ۱. بر ظرفیت‌سازی^۷ تأکید دارد و لذا فرایند‌گر است؛ ۲. همچنین به دلیل بسیج همه دارایی‌های اجتماعی و کالبدی اجتماع محلی، جامع‌نگرست؛ ۳. در نهایت واجد اهمیت ابزاری است؛ زیرا سرمایه اجتماعی و کالبدی را به عنوان ابزاری برای سایر اهداف به کار می‌برد (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۲). آنچه که از نقطه نظر آسیب‌شناسی اجتماعی اهمیت دارد، بهره‌گیری از این رویکرد در کاهش آسیب‌های اجتماعی است. دارایی‌های محلات شهری در دو سطح قابل بررسی است:

۱. سرمایه‌های اجتماعی

۲. سرمایه‌های کالبدی (فضای شهری)

در ادامه مقاله به نقش هر یک از دارایی‌های در کاهش آسیب‌های اجتماعی نظر می‌کنیم.

سرمایه‌های اجتماعی و کاهش آسیب‌های اجتماعی

اصطلاح سرمایه اجتماعی نخستین بار قبل از سال ۱۹۱۶ م، توسط هانی فان از دانشگاه ویرجینیای غربی مطرح شد (پیری، ۱۳۸۴: ۱۴). اما علی‌رغم اهمیت آن در تحقیقات اجتماعی تا سال ۱۹۶۰ که توسط جین جاکوب در برنامه‌ریزی شهری به کار برده شد، شکل جدی به خود نگرفت (الوانی و سیدنقوی، ۱۳۸۳: ۴). جین جاکوب این مفهوم را در اثر خود با عنوان مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا به کار برده است. وی توضیح داده بود که شبکه‌های اجتماعی فشرده در محدوده‌های حومه‌های قدیمی و مختلط شهری، صورتی از سرمایه اجتماعی را تشکیل می‌دهند و در مورد حفظ نظافت، کاهش جرم و جنایت خیابانی و دیگر تصمیمات کیفیت زندگی، در مقایسه با نهادهای رسمی مانند پلیس مسئولیت بیشتری از خود نمابش می‌دهند. پیر بوردیو از اصطلاح فضای اجتماعی که برآیند دو سرمایه اقتصادی و فرهنگی است نام می‌برد و هدف او بازسازی نظریه

4. asset – based policies

5. community

6. need - based

7. capacity building

قشر بندی مارکسیستی است. شبکه روابط و نهادهایی که به منزله زمینه‌های سرمایه اجتماعی مد نظر بوردیو است، بیشتر در جهت رسم قشر بندی‌های اجتماعی و تجدید نظر در سلسله مراتب اجتماعی (به عنوان جایگزین طبقات) به کار می‌رود که صرفاً مبتنی بر مؤلفه‌های اقتصادی می‌باشد، اما ادبیات کنونی این حوزه بیشتر متأثر از دیدگاه‌های جیمز کلمن در دهه ۱۹۸۰ و رابرت پاتنم در دهه ۱۹۹۰ است (خاندوزی، ۱۳۸۳: ۵۵). در جدول زیر نظرات این سه دانشمند آورده شده است.

جدول ۴- تعاریف مختلف از سرمایه اجتماعی بر اساس هدف و سطح تحلیل.

سطح تجزیه و تحلیل	هدف	تعریف سرمایه اجتماعی	
افراد در حال رقابت باهم (فرد به فرد)	رسیدن به سرمایه اقتصادی	منابعی هستند که منابع عمومی را مورد ارزیابی قرار می‌دهند	بوردیو
افراد در گروه‌های فامیلی و اجتماعی	رسیدن به سرمایه اقتصادی	جنبه‌هایی از ساختار اجتماعی است که اعضا از آن به عنوان منبعی برای رسیدن به منابع خود استفاده می‌کنند	کلمن
حکومت‌های سیاسی در سطح ملی (گروه با حکومت ملی)	رسیدن به دموکراسی و توسعه اقتصادی	اعتماد، هنجارها و شبکه‌هایی که تسهیل کننده همکاری اعضا برای رسیدن به منافع مشترک است	پوتنام

عموماً پنج نوع سرمایه قابل شناسایی است: سرمایه انسانی (مهارت‌ها، دانش، توانایی کار)، سرمایه مالی (پس انداز، پول نقد)، سرمایه طبیعی (زمین، آب، مواد معدنی)، سرمایه فیزیکی (زیرساخت و خدمات) و سرمایه اجتماعی (Mubangizi, 2003: 140). در مطالب بعدی سرمایه اجتماعی مورد کنکاش قرار گرفته است. بر اساس ادبیات موجود، سرمایه اجتماعی عبارت است از مجموعه‌ای از هنجارها و قوانین و شبکه‌های غیررسمی که همراهی، اعتماد و کنش جمعی برای به دست آوردن کالای عمومی را فراهم می‌آورد (Maru & others, 2007: 183). با دقت در نظریات فوق مشخص می‌شود که سرمایه اجتماعی به مجموعه روابط

غیررسمی، پیوندها و ارتباطات اعضای یک شبکه به عنوان منبع با ارزش اشاره دارد که با خلق هنجارها و اعتماد متقابل، موجب تحقق اهداف اعضا می‌شود که بانک جهانی در گزارش خود در سال ۱۹۹۷ از آن به عنوان «حلقه گمشده»^۱ در فرایند توسعه یاد می‌کند و آنرا همانند سایر اشکال سرمایه می‌شناسد که به دلیل نظارت بر کنش‌های فاعلان اقتصادی و سازماندهی شیوه تولید، نقش مؤثری در فرایند رشد اقتصادی ایفا می‌کند (Mubangizi, 2003:142).

گروتزرت و ون‌بلاستر چارچوب نظری مفیدی برای مطالعه سرمایه اجتماعی در شهرها فراهم آورده‌اند. ایشان، حوزه، شکل، و کانال‌های جاری شدن سرمایه اجتماعی را مورد بحث قرار داده‌اند. حوزه سرمایه اجتماعی عبارت است از: الف- سطح میکرو یا خرد که در مطالعه رابرت پوتنام بر روی سازمان‌های شهری ایتالیا در سال ۱۹۹۳ عینیت می‌یابد که در آن سرمایه اجتماعی به انواع مختلف سازمان اجتماعی همانند شبکه‌های افراد یا خانواده‌ها و هنجارها و ارزش‌های مشترک اشاره دارد؛ ب- سطح میانی، همانند کارهای جیمز کلن که در آن روابط عمودی همانند روابط افقی در درون و در بین هویت‌های مختلف همانند شرکت‌های بازرگانی به عنوان سرمایه اجتماعی تلقی می‌شود و؛ ج- سطح ماکرو یا کلان که شامل محیط اجتماعی و سیاسی می‌شود که فراتر از روابط وسیع غیررسمی و محلی، افقی و سلسله‌مراتب عمودی، ساختارهای اجتماعی را شکل می‌بخشد و در بردارنده ساختارها و روابط نهادی همانند نظام‌های سیاسی، نقش قانون، سیستم دادگاه و آزادی‌های مدنی و سیاسی نیز می‌شود (Blanco & Campbell, 2006: 173). بر اساس همه سطوح فوق دو شکل از سرمایه اجتماعی قابل تشخیص است: ساختاری و شناختی.

۱. سرمایه اجتماعی ساختاری؛ بسیار ابژکتیو و به صورت بیرونی و قابل مشاهده بنا می‌شود و از طریق نقش‌های معین، شبکه‌های اجتماعی و دیگر ساختارهای اجتماعی که به وسیله قوانین، فرایندها و سوابق پشتیبانی می‌شود، به وجود می‌آید.

۲. سرمایه اجتماعی شناختی؛ به هنجارها و ارزش‌های مشترک، اعتماد، رفتارها و عقاید اشاره می‌کند، بنابراین این مفهوم از سرمایه اجتماعی بسیار سوژکتیو و مفهومی غیر قابل لمس است (Ibid).

بحث از سرمایه اجتماعی در طرح‌های توسعه شهری، عمدتاً مبتنی بر مشارکت شهروندان و

مسئولیت‌پذیری آن‌ها در حفظ و حراست از اموال شهری و جلوگیری از وقوع وندالیسم است که در زمینه کاهش و جلوگیری از آسیب‌های اجتماعی به دلیل همین مسئولیت‌پذیری‌ها و تعریف قواعد و هنجارهای غیر رسمی توسط ساکنان محله، مانع از بروز جرم در این فضاها می‌شود. بنابراین تولید سرمایه اجتماعی و افزایش آن در سطح محلات به منظور کاهش آسیب‌های اجتماعی، اهمیت می‌یابد. منابع تولید سرمایه اجتماعی عبارتند از:

۱. منابع طبیعی شامل خورشاوندی و نژاد و قومیت؛

۲. منابع نهادی که عموماً عقلانی و رسمی است؛ یعنی هنجارها در نتیجه کنش هدفمند مؤثر بر اجتماع که به طور کلی از طریق نهادی مشخص مانند دولت ساخته شده باشد؛

۳. منابع رفتاری خود جوش؛ این هنجارها به جای آن که از قانون یا نهادهای رسمی برکشند، از کنش‌های متقابل اعضای یک اجتماع به وجود می‌آیند و ناشی از انتخاب تعمدی نیستند؛

۴. منابع برون‌زا شامل دین، ایدئولوژی و فرهنگ و تاریخ مشترک (خاندوزی، ۱۳۸۳: ۵۶)؛

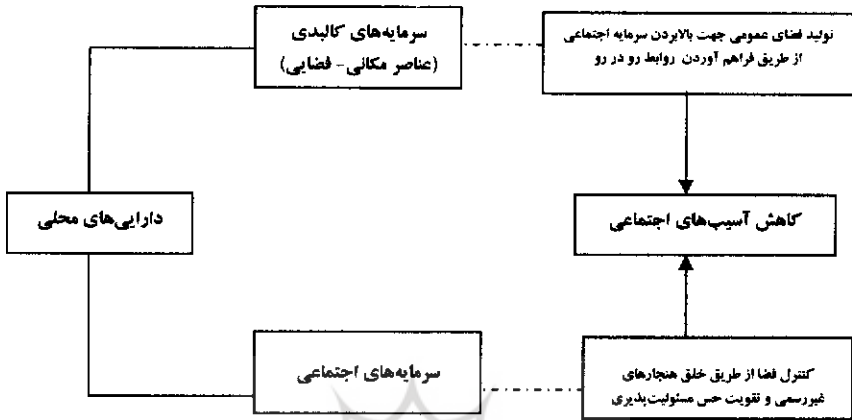
۵. محیط و عناصر فضایی مشخص.

هنجارهای اجتماعی غیر رسمی، به دلیل بالابردن تعهد اخلاقی اعضا، تداوم سنت‌های اجتماعی و پابندی اکثر ساکنان محله به این هنجارها، خود به خود مانعی در برابر آسیب‌های اجتماعی و جرم‌های خیابانی است.

فضا به عنوان سرمایه کالبدی و کاهش آسیب‌های اجتماعی

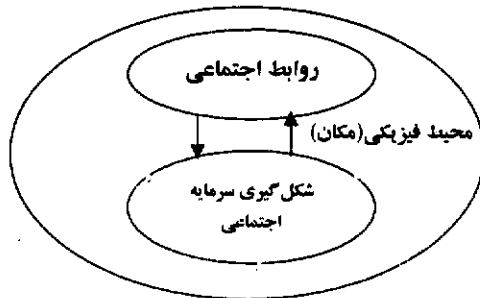
همان‌طور که گفته شد، سرمایه کالبدی محلات شهری، شامل مسکن، خیابان و فضاهای عمومی است که در این میان فضاهای عمومی می‌تواند از یک طرف با فراهم آوردن زمینه‌های ارتباط همسایگی، روابط رو در رو، نمایش هنجارهای غیر رسمی حاکم بر فضای اجتماعی محلات، باعث تحکیم این روابط شده و از طرف دیگر باعث بالا رفتن سرمایه‌های اجتماعی شود. بنابراین طراحی‌های مناسب شهری می‌تواند با فراهم آوردن فضاهای مناسب ارتباطات اجتماعی و ایجاد حس اجتماعی نسبت به مکان و تقویت هویت جمعی، از بسیاری از آسیب‌های جلوگیری می‌کند (شکل ۱).

شکل ۱- دارایی‌های محلی و کاهش آسیب‌های اجتماعی



از ابزارهای پرکردن شکاف میان طراحی صرف کالبدی فضا و برنامه‌ریزی مبتنی بر اجتماع و فرهنگ، مطرح کردن الگوهایی با ابتناء به مباحث فرهنگی- اجتماعی است که ما از آن به عنوان «راهبردهای غیر کالبدی برنامه‌ریزی شهری» تعبیر می‌کنیم. سرمایه اجتماعی در تعامل با کالبد فضای شهری از موثرترین و فراگیرترین الگوهایی است که می‌تواند مبنای راهبرد فوق قرار گیرد، شکل‌گیری اولیه روابط اجتماعی و همسایگی و رو در رو در فضا صورت می‌گیرد که تداوم آن در نهایت باعث به وجود آمدن سرمایه اجتماعی می‌شود. فضای شهری با عناصر نمادین معماری و پهنه شکل‌گیری توده و فضا به مثابه ظرف عوامل تشکیل‌دهنده سرمایه اجتماعی عمل می‌کند.

فضا به مثابه ظرف تشکیل سرمایه اجتماعی



جغرافی دانان به صورت کلاسیک به روابط بین مردم و محیط فیزیکی و اجتماعی آنان توجه می کنند که مبنای را برای مطالعه اجتماعی شهر فراهم می آورد. فضاهای شهری به وسیله مردم به وجود می آید، هم چنان که مردم در فضاهای شهری زندگی و کار می کنند، به تدریج محیطشان را تعدیل می کنند و تا می توانند آن را به منظور برآوردن نیازهاشان و بیان ارزش هایشان با خود همراه می سازند. همزمان با آن، مردم علاوه بر محیط فیزیکی، خود را با محیط اجتماعی تطبیق می دهند (Knox & Pinch, 2000:10). به عبارت دیگر، کنشگر «موتور محرک عمل» ندارد. کنشگر را محیط اطراف شکل می دهد (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۴۵) و حتی آنتونی گیدنز تلاش می کند در مفهوم سازی چگونگی ارتباط اعمال انسانی با ساختار اجتماعی، مفهومی از مکان را وارد نماید (Dickens, 1988:2). منظور گیدنز از مکان، محیط فیزیکی است. بنابراین از نظر اجتماعی فضای فیزیکی، زندگی مردم و رویارویی آن ها با فرایندهای اجتماعی را تحت تأثیر قرار می دهد (Ibid).

بعضی از اقتصاددانان در انتقاد از تئوری های اقتصاد نو کلاسیک و هم چنین انواع فلسفه های سیاسی از قبیل فایده گرایی و اصالت قرارداد و حقوق طبیعی، محیط و شرایط اجتماعی را در شکل گیری هنجارهای حاکم بر کنش های اقتصادی مطرح می کنند. از منظر جغرافیایی این فرایند دو سویه مداوم، دیالکتیک اجتماعی - فضایی (Soja, 1980) را به وجود می آورد که مردم هم فضای شهری را خلق می کنند و هم آن را تعدیل می کنند و به روش های مختلف به آن خو می گیرند. سه جنبه اصلی دیالکتیک اجتماعی - فضایی عبارتند از:

۱. روابط اجتماعی که از طریق فضا شکل می گیرد، به طوری که ویژگی های سایت تریات سکونتگاهی را تحت تأثیر قرار می دهد؛
۲. روابط اجتماعی که به وسیله فضا محدود می شود، همانند این که یک قوه جبری، به وسیله محیط ساخته شده، تحمیل می شود و یا به اندازه های که تسهیلات و موانع محیط فیزیکی فعالیت انسانی را تحت تأثیر قرار می دهد؛
۳. روابط اجتماعی که به وسیله فضا میانجیگری می شوند. گویی که «اصطکاک ناشی از فاصله» ایجاد نوع وسیعی از تجربیات اجتماعی شامل الگوهای زندگی روزمره را فراهم می آورد (Knox & Pinch, 2000:11).

ایده کولائز شهر که کالین رو و فرد کوتر از پیشروان تفکر زمینه گرایی در آمریکا، آن را بنا نهادند، پاسخی به طرز تفکر نوگرایی بود که در آن بناهای شهر را به مثابه اشیای معماری می پنداشتند و آن ها را به تهایی و با

نماهای از هم متمایز و جدای از زمینه طراحی می‌کردند. آن‌ها از شهرسازان خواستند که در این نحوه اندیشیدن تجدیدنظر کنند و از طراحی نواحی وسیع پرهیزند و در عوض بر نواحی کوچک متمرکز شوند (تولایی، ۱۳۸۰: ۳۷). شوماخر در کوچک زیباست نوشت: طرح‌های بزرگ را باید کنار گذاشت و از طرح‌های کوچک استفاده کرد. او اضافه می‌کند که اصولاً هر برنامه‌ریزی و طراحی کوچک و در مقیاس انسانی از نظر ماهیت زیباست (بحرینی، ۱۳۷۸: ۱۵۶).

زمینه‌گرایان اجتماعی - فرهنگی معتقدند که فرهنگ مجموعه قواعدی را می‌آفریند که شکل ساخته‌شده بازتابی از آن است. مردم به کمک فرهنگ یعنی مجموعه ارزش‌ها، باورها، جهان‌بینی و نظام‌های نمادی مشترک به محیط خود معنی می‌دهند و فضای خالی را به مکان تبدیل می‌کنند و وظیفه شهرسازان ایجاد مکان‌های پایداری است که بهترین تناسب را میان زمینه فرهنگی، کالبدی، و انتظارات استفاده‌کنندگان فراهم آورد (تولایی، ۱۳۸۰: ۴۰). داشتن رویکرد معناشناختی به فضا و آفرینش طرح‌های کالبدی معنادار، زمینه را برای تقویت حس اجتماعی و میزان سرمایه‌های اجتماعی در میان شهروندان را فراهم خواهد آورد. جریان سیال جمعیت در میان فضاهای شهری و ارتباطات ناآشنا و غریبه جمعیت با یکدیگر، باعث بسیاری از ناراحتی‌های روانی و مشکلات اجتماعی می‌شود. بنابراین باید کوشید در طراحی و برنامه‌ریزی محلات شهری طوری عمل کرد که حداقل از ورود ماشین و جمعیت اتوبه غریبه به داخل محلات جلوگیری شود؛ چرا که ورود این جمعیت ناآشنا و غریبه با فرهنگ متفاوت زمینه را برای بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی فراهم آورد.

نتیجه

با توجه به یافته‌های پژوهش حاضر، روشن شد که عوامل و نیروهای مختلفی می‌تواند در گسترش آسیب‌های اجتماعی مؤثر باشد. لذا با توجه به توسعه اجتناب‌ناپذیر شهرنشینی در روند جهانی شدن پدیده‌ها در روزگار ما، به دنبال آن بر دامنه آسیب‌های اجتماعی افزوده می‌شود و ناامنی نیز در شهرها گسترش خواهد یافت. بنابراین برای مدیریت شهرنشینی شتابان و آسیب‌های اجتماعی ناشی از آن، باید با این پدیده برخوردی سیستماتیک داشت و در حل مشکلات، همه عوامل اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیط فیزیکی و کالبدی را در یک زنجیره مرتبط به هم دانست. نکته قابل ذکر دیگر، این است که هر آسیب اجتماعی باید در متن

جامعه‌ای که در آن اتفاق افتاده، مطالعه شود و حداقل باید از تعمیم قوانین در این زمینه اجتناب کرد؛ چرا که یک آسیب اجتماعی در جامعه‌ای خاص شاید برخاسته از عواملی باشد که در جوامع دیگر فرق دارد. فضای شهری به مثابه ظرف تشکیل دهنده روابط اجتماعی در واحدهای همسایگی و محلات شهری و تسهیل کننده سرمایه اجتماعی عمل می‌کند که در یک ارتباط متقابل با عناصر اجتماعی- اقتصادی به وجود آورنده سرمایه اجتماعی است. بنابراین برنامه ریزی و طراحی مناسب و ایجاد تعادل بین عوامل فوق، می‌تواند در افزایش این نوع سرمایه و کاهش آسیب‌های اجتماعی تأثیر گذار باشد.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

فهرست منابع

- توسلی، غلامعباس (۱۳۷۹): نظریه‌های جامعه‌شناسی، انتشارات سمت، تهران.
- دراکاکیس اسمیت، دیوید (۱۳۷۷): شهر جهان سومی، ترجمه دکتر فیروز جمالی، نشر توسعه.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۳): انسان‌شناسی شهری، تهران، نشر نی.
- فرجاد، محمد حسین (۱۳۷۴): آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات، انتشارات بدر، تهران.
- قائمی، علی (۱۳۶۶): آسیب‌ها و عوارض اجتماعی، ریشه‌یابی، پیشگیری و درمان، انتشارات امیری.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴): سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان، نشر شیرازه.
- کرایب، یان (۱۳۸۲): نظریه اجتماعی کلاسیک، ترجمه شهناز مسمی پرست، نشر آگاه، تهران.
- گومز بوآندیا، هراندو (۱۳۸۰): جرایم شهری، گرایش‌ها و روش‌های مقابله با آن، ترجمه فاطمه گیوه‌چیان، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رهنما، محمدرحیم (۱۳۷۴): «ساماندهی بافت مرکزی مشهد»، پایان‌نامه دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- حسین‌زاده دلیر، کریم (۱۳۷۰): «حاشیه‌نشینی، در جستجوی معنی و مفهوم»، مجله اطلاعات سیاسی-اقتصادی، شماره ۴۵-۴۶.
- محسنی، منوچهر (۱۳۵۷): جامعه‌شناسی عمومی، ناشر مؤلف.
- مساواتی آذر، مجید (۱۳۷۴): آسیب‌شناسی اجتماعی ایران (جامعه‌شناسی انحرافات)، انتشارات نوبل، تبریز.
- ملکی، علی (۱۳۸۲): «خلاصه سمینار جامعه‌شناسی شهری»، نشریه شارستان، دانشکده ادبیات، دانشگاه فردوسی مشهد، سال دوم.
- خاندوزی، سیداحسان (۱۳۸۳): «استراتژی اقتصادی بر محور سرمایه‌های اجتماعی»، نشریه راهبرد، انتشارات مرکز تحقیقات استراتژیک.
- الوانی، سیدمهدی و سیدنقوی، میرعلی (...): «سرمایه اجتماعی: مفاهیم و نظریه‌ها»، فصلنامه مطالعات مدیریت، شماره ۳۳ و ۳۴، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده مدیریت.
- عارفی، مهیار (۱۳۸۰): «به سوی رویکرد دارای مبنا برای توسعه اجتماع محلی»، ترجمه نوین تولایی، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، دانشگاه تهران.
- پیری، عیسی (۱۳۸۴): «امکان‌سنجی به کارگیری راهبرد توانمندسازی در ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی؛ نمونه موردی: شهرک گلشهر مشهد»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه فردوسی مشهد.
- بحرینی، سیدحسین (۱۳۷۸): تجدد، فراتجد و پس از آن در شهرسازی، انتشارات دانشگاه تهران.
- تولایی، نوین (۱۳۸۰): «زمینه‌گرایی در شهرسازی»، هنرهای زیبا، شماره ۱۰، دانشگاه تهران.

- Arefi, Mahyar(2004): "An asset- based approach to policy making: revisiting the history of urban planning and neighborhood change in Cincinnati's west End", *cities* volume 21, Issue 6, december.
- Hari, Srivinas(2004): "Defining squatter settlements", available at: [http:// www.gdrc.org/ uem/ define-squatter.html](http://www.gdrc.org/uem/define-squatter.html).
- Harold, carter(1989): *The study of urban geography*, third edition, Athenacum press, ltd.
- Ritzer, George, (2000): *Sociological Theory*, fifth edition, MC Grow- hill companies house.
- Thorns, David C. (2002): *The Transformation of cities*, palagrawe. macmilan.
- Fanni,Zohreh (2006): "Cities and Urbanization in Iran after the Islamic Revolution", *cities*, vol.23, No.6. available at: www.elsevier.com
- Blanco,Hilda(2006): "Social Capital of Cities:Emerging networks of horizontal assistance", available at: www.elsevier.com/locate/techsoc.
- Dickens, Peter(1988): *Urban Sociology*, harvester wheatsheaf press.
- E.Zebardast(2006): "Marginalisation of the urban poor and the expansion of spontaneous on the Tehran Metropolitan, available" at: www.lo.lo16/j.cities
- Mubangizi, Betty Clair(2003): "Drawing on Social Capital for Community Economic Development: Insights from a South African Rural Community", *Community development journal*. vol.38.No.2
- knox.Paul& Steven Pinch(2000): *Urban Social Geography; An Introduction*, Ashford Colour Press.
- Delanty, Gerard(2003): *Community*, Routledge.
- Kazuhiro, Yuki(2006): "Urbanization, Informal sector and Development", *journal of Development Economics*, available at: www.elsevier.com
- Kotter, Theo(2004): *Risks and opportunities of urbanization and megacities*, Key note of presentation at the plenary of FIG working week.
- Drakakis-smith, David(2000): *Third world cities*, Routledge.
- T.Maru, Yiheyis & Ryan, R, J. McAlister & Mark Stafford Smith, (2007): *Modelling community interactions and social capital dynamics: The case of regional and rural communities of Australia*.

مشخصات نویسندگان

دکتر برات علی خاکپور، عضو هیأت علمی و استادیار گروه جغرافیا، دانشگاه فردوسی مشهد است.
عیسی پیری، دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه ریزی شهری دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه تبریز است.